

اصلاح مسیر ۴۰ ساله سینمای ایران

سینمای ایران چگونه جهانی می‌شود؟ حتما در خیرها خواننده‌اید که نمایندگان مدیریت سینمای ایران، در پی دعوت مسئولان فرهنگی ازبکستان، همین روزها در این کشور به‌سر می‌برند. تاکنون امضای معاهده تولیدات مشترک، حاصل این سفر بوده است و ... از جمله مهم‌ترین تلاش‌های مدیریت سینمایی طی یک سال گذشته، تغییر مسیر سینما از غرب به سمت شرق بوده‌است. تلاش مدیران سینما در دولت‌های پیشین برای جهانی شدن و برون‌رفت از دایره تنگ داخلی، طی ۴۰ سال گذشته همواره به حضور در فستیوال‌های خارجی (خصوصا غربی) ختم می‌شده‌است. بنیاد سینمایی فارابی به جای برنامه‌ریزی استراتژیک و تاثیرگذاری بر روند تولیدات داخلی به منظور بومی‌سازی و افزایش سطح کمی و کیفی تماشاگران داخلی، همه هم و غم‌شان حضور سالانه در (مثلا) جشنواره کن بوده است. اینان غافل از این‌که سینمای یک کشور تا بومی و ملی نباشد و تا در درجه اول مورد وثوق جماعت داخلی قرار نگیرد، هرگز راه به دل مخاطبان دنیا نیز پیدا نمی‌کند، سمت و سویی به فیلم‌هایی داشتند که اساسا آثار ضد مخاطب محسوب می‌شد. از سوی دیگر همان حداقل‌های نگاه به بیرون نیز متوجه پذیرنده‌های غربی بود، آن‌هم نه در قالب تولیدات مشترک بلکه گرفتار در چنبره سیاست‌های با ماطمح استعماری بودند.

جهانی بودن و خصوصا مقوله‌ای تحت عنوان تولید مشترک، کاملا تعریف شده یا مرزبندی برنخاسته‌شده‌ای است، رویکردی که با سیاست‌های حاکم گذشته منافات داشت. نتیجه سیاست‌های جهانی سینمای ایران تحت زعامت دولتمردان پیشین، حاصلی جز ناکامی به همراه نیاورد، شکستی که علاوه بر هزینه‌های تحمیلی، سالن‌های نمایش را نیز خالی از تماشاگر کرد و ... اما آنچه توسط مدیریت کنونی پی‌گرفته می‌شود، بی‌تردید اصولی و مطابق روند و روالی است که باید خیلی زودترها شاکله سیاست‌های در ارتباط با بیرونی‌ها را تشکیل می‌داد. البته توفیق و تداوم این وضعیت به خیلی از پارامترها مربوط است، ولی نوع مراده و ایجاد این مناسبات حتما درست و قابل دفاع است. تعیین و تاکید براین موضوع ازاین جهت است که رابطه با شرق و کشورهای از نظر فرهنگی و خصوصا مذهبی نزدیک به ایران را سرلوحه قرار می‌دهد. در عین این‌که همه موارد در میدان نیاز طرفین بدون حاکمیت مولفه و منافع استعماری برنامه‌ریزی و دنبال می‌شود. ازهمین‌روست که وزیر فرهنگ ازبکستان در ملاقات با رئیس سازمان سینمایی ضمن اشاره به این‌که ایران و ازبکستان دو پایتخت تمدنی مهم جهان اسلام هستند، بر ساخت فیلم‌های تاریخی درباره شخصیت‌ها و مشترکات بین دو کشور اصرار دارد. این شخصیت ازبک با دریافت این نکته که سینما وسیله موثر و مهمی در زمینه حافظه جمعی مردم است، ظرفیت بزرگ و توانایی سطح بالایی سینمای ایران را به منظور بازسازی و تحریفات استعماری صورت گرفته برکشورش مد نظر قرار می‌دهد و به تعدادی از چهره‌های معروف ازبکستان اشاره می‌کند که قابلیت فیلم‌شدن را دارند. واقعیت این است که سینمای ایران از نظر امکانات مختلف، خصوصا قدرت و توانایی تکنیسین‌های فیلمبرداری، گریم، جلوه‌های ویژه میدانی و بصری، نیروهای انسانی هنرمند و ... از رشد مثال‌زدنی برخوردار است که می‌تواند نیازهای کشورهای منطقه و خاورمیانه را تامین کند. آنچه سینمای ایران را رنج می‌دهد، بیکاری عوامل صاحب صلاحیت آن است؛ واقعیتی که متاثر از غیبت مخاطبان انبوه در سالن‌های سینماست، بنابراین تعامل با کشورهای همسوی فرهنگی، سیاسی و مذهبی گشایش غیرقابل‌کمانی دراین زمینه است و ... بالاخره این‌که رابطه دو طرفه منجر به جهانی شدن، جز با تداوم رابطه و اصرار بر اصلاح مسیر غلط ۴۰ سال گذشته راهی دیگر وجود ندارد.

فیلم سینمایی شهرک به نویسندگی و کارگردانی علی حضرتی و تهیه‌کنندگی علی سرتیپی در نخستین حضور بین‌المللی خود توانست جایزه ویژه هیات داوران دهمین دوره جشنواره تریپولی لبنان را از آن خود کند. این جشنواره که گفته می‌شود یکی از مهم‌ترین رویداد‌های سینمایی کشور لبنان است از ۳۰ شهریور تا ۷ مهر در لبنان برگزار شد و آثاری از کشورهای مختلف از جمله آمریکا، فرانسه، تایلند، مصر، تونس و... در آن به رقابت

«شهرک» برنده جایزه جشنواره تریپولی

نگاهی به فیلم «بی‌مادر» ساخته مرتضی فاطمی

قربانی شخصیت‌های پرداخت‌نشده

«بی‌مادر»، اولین ساخته مرتضی فاطمی، مضمون جذاب برای علاقه‌مندان مولودرام‌های اجتماعی کم ندارد. اگرچه بسیاری از آنها مثل نازایی، رحم اجاره‌ای، حس مادرانگی و اختلاف هواناک طبقاتی، تاکنون بارها در سینمای ایران با کار گرفته شده‌است، ولی هنوز هم اگر فیلمنامه درست و درمان و پرداخت‌شده‌ای در میان باشد، می‌شود فیلم خوب و جذاب با بهره‌گیری از همین مضامین به‌ظاهر کلیشه‌ای ساخت و کارنامه سینمای اجتماعی ایران را غنی‌تر کرد. ولی بی‌مادر با آن‌که تقریبا همه این مضامین را به نوعی در پیگیره فیلمنامه‌اش جای داده است، ولی به‌دلیل جدی‌نگرفتن اصول اولیه پرداخت فیلمنامه و به‌ویژه شخصیت‌پردازی و گسترش قصه، در جذب مخاطبانش و تاثیرگذاری روی آنان ناموفق است.



سیدمحمدسلیمانی گروه فرهنگ و هنر

حرکت حساب‌شده

مرجان و امیرعلی، یکی پزشک زنان و دیگری روانپزشک، صاحب فرزند نمی‌شوند. آنان برای بچه‌دار شدن راهکار رحم اجاره‌ای را انتخاب می‌کنند که به‌طور طبیعی شخصیت‌دیگری را به‌شخصیت‌های اصلی اضافه می‌کند. مهرور، زنی رنج‌کشیده که به‌دلیل نیاز مالی و تامین هزینه‌های پیوند کلیه فرزندش تن به این کار می‌دهد، حالا باید تبعاتش را هم در زندگی خودش و هم در ارتباط بامرجان و امیرعلی تحمل کند. قصه، خلاصه ضلع اصلی دارد که هرکدام دنیای ذهنی خودش را دارند و اگر هرکدام از آنها درست معرفی

نشوند و به‌باور مخاطب نشینند، فیلم با واکنش منفی مخاطب و قطع ارتباط او با کلیت اثر روبه‌رو می‌شود که برای فیلمی با ویژگی‌های بی‌مادر ناکامی بزرگی به‌شمار می‌آید. زوج قصه، از ابتدا بر سر داشتن فرزند اختلاف‌نظر دارند و امیرعلی برای نداشتن فرزند فلسفه‌هایی هم می‌کند ولی برای بار دوم در برابر تقاضای همسرش تسلیم می‌شود و به رحم اجاره‌ای رضایت می‌دهد. از آنجاکه هنوز مرجان و امیرعلی را به خوبی نمی‌شناسیم، اصرار مرجان برای بچه‌دار شدن آن قدر در متن فیلم جا نمی‌افتد و مخاطب باورش نمی‌کند که وقتی موضوع رحم اجاره‌ای و موافقت امیرعلی با آن به میان آمد، بتواند به‌عنوان رکن مهم پیرنگ اصلی، قصه را جلو ببرد و جذابیت ایجاد کند. به تعبیر بهتر، زنجیره منسجم روایتی به‌وجود نمی‌آید که در ادامه قصه با ورود شخصیت‌های جدید و به‌ویژه مهرور گسسته نشود، هر اتفاق و شخصیت تازه‌ای که در ادامه شاهد آن هستیم، به‌واسطه

برش

مشکل همیشگی فیلمنامه

بی‌مادر در آشفته‌بازار فیلم‌های ساخته‌شده در گونه اجتماعی با درونمایه‌هایی به‌ظاهر نوکرا و دغدغه‌مند، اگر فیلمنامه بهتر و منسجم‌تری به‌ویژه در عرصه شخصیت‌پردازی داشت و انتخاب بازیگران و بازی‌گرفتن از ایشان با وسواس بیشتری صورت می‌گرفت، می‌شد آن را لااقل در رده مولودرام‌های روانکاوانه متوسط رو به بالا قرار داد. ولی متأسفانه فیلم در وضع کنونی اش تاثیری ناچیز بر مخاطبان‌ش برجای گذاشته و پس از مدتی کوتاه به‌دست فراموشی سپرده می‌شود.

پرداختند. بخش بین‌المللی فیلم سینمایی شهرک به عهده کمپانی DreamLab Films به مدیریت نسرین میرشپ است و ساعد سهیلی، کاظم سیاحی، مهتاب ثروتی، همایون ارشادی، رویا جاویدنیا، شاهرخ فروتنیان، مرتضی ضرابی و ساقی حاجی‌پور در این فیلم حضور دارند.

شهرک فضایی متفاوت، عاشقانه، رازآلود و معمایی را مدنظر قرار داده و داستان نوید فلاحتی، جوان علاقه‌مند به بازیگری

راست‌یادروغ؟

تاکید روی فاصله‌طبقاتی خانواده مرجان و مهرور که قرار است با حضور برادری که با پیورش سگ روزگارش را به‌سخنی می‌گذرانند و نوجوانی که محتاج پیوند کلیه است، تلخ و سیاه‌تر از همیشه هم جلوه‌کند، چیز تازه‌ای به‌اثر نمی‌افزاید و کمکی به پرداخت دراماتیک آن نمی‌کند. مرجان به‌رغم ادعاهای اولیه‌اش و اظهارهای امیرعلی، به مرور بازهم در برخورد با موضوع رحم اجاره‌ای کم می‌آورد و اصرار می‌کند که مهرور چنین را سقط کند و آن‌هم به بهانه خطر مرگ برای مادر که بازهم برای مخاطب جا نمی‌افتد که آیا مهرور به‌عمد موضوع مسمومیت حاملگی را پیش می‌کشد که سقط نوزاد منطقی جلوه‌کند یا واقعا پای مرگ و زندگی درمیان است. در جایی مرجان و همکارش درباره ریسک بالای ادامه روند حاملگی مهرور، تبادل‌نظر می‌کنند

که می‌تواند نشانه‌ای برای راستگویی مرجان باشد؛ ولی از سوی دیگر زایمان طبیعی رخ می‌دهد و مهرور بدون کوچک‌ترین مشکل جسمانی وضع حمل می‌کند و با پای خودش و بدون هرگونه ممانعتی بیمارستان راترک می‌کند!

فقط طرح‌موضوع

مرگ فرزند مهرور زیر عمل پیوند کلیه زمینه‌مناسبی را برای ایجاد فضایی تازه و پرکشش در درام اثر ایجاد می‌کند ولی متأسفانه این امکان جدید هم جدی‌گرفته نمی‌شود. بعد از خروج مهرور از شوک مرگ فرزند، علاقه او به‌امانتی که در رحم دارد، گره تازه‌ای ایجاد می‌کند، ولی واکنش مرجان و امیرعلی در برابر مهر مادری مهرور نسبت به نوزاد تازه‌به‌دنیاآمده براساس همان ضعف در شخصیت‌پردازی که قیلا به



برش

مشکل همیشگی فیلمنامه

بی‌مادر در آشفته‌بازار فیلم‌های ساخته‌شده در گونه اجتماعی با درونمایه‌هایی به‌ظاهر نوکرا و دغدغه‌مند، اگر فیلمنامه بهتر و منسجم‌تری به‌ویژه در عرصه شخصیت‌پردازی داشت و انتخاب بازیگران و بازی‌گرفتن از ایشان با وسواس بیشتری صورت می‌گرفت، می‌شد آن را لااقل در رده مولودرام‌های روانکاوانه متوسط رو به بالا قرار داد. ولی متأسفانه فیلم در وضع کنونی اش تاثیری ناچیز بر مخاطبان‌ش برجای گذاشته و پس از مدتی کوتاه به‌دست فراموشی سپرده می‌شود.

را روایت می‌کند که در تست یک فیلم سینمایی بزرگ قبول می‌شود و برای پیوستن به این پروژه و رسیدن به آرزوی دیرینه خود یعنی بازیگرشدن، باید شرایط ویژه و تمرین‌های روحی و روانی گروه بازیگران در شهرکی ایزوله‌شده را بپذیرد.

این فیلم در چهارمین دوره جشنواره فیلم فجر در رشته بهترین جلوه‌های ویژه میدانی، بهترین فیلمبرداری و بهترین تدوین نامزد دریافت جایزه شد. / هنرآنلاین



متناسب با شخصیت‌های موجود در اثر و رفتارهای‌شان

ندارد و به‌همین‌دلیل هم حتی نمی‌توان نگاهی انتزاعی به آن داشت، چراکه در سراسر فیلم بستری برای این نوع نگاه از سوی فیلمساز و فیلمنامه‌نویس ایجاد نمی‌شود.

ضعف بازی‌ها

بازی هادر بی‌مادر یکی از نقاط ضعف عمده آن است. انتخاب امیرآقای برای نقش روان‌شناس با توجه به وجود سابقه ایفای نقش‌های درونگرا در کارنامه امیر آقایی. نمونه همش «بدون تاریخ بدون امضا». ویزگی

جدید و مثبتی برای او و فیلم به‌شمار نمی‌آید. بازی ضعیف و عجیب متراجحار در نقش مرجان هم جای سؤال دارد. شاید تنها ویژگی درخرو تامل در بازی‌های فیلم، بازی درونی و درخرو تامل پردیس پورعابدینی در نقش مهرور باشد که با توجه به ضعف عمومی بازی هادر فیلم، کمک زیادی به ارتقای اثر نمی‌کند.

کارگردانی امیدوارکننده

قاب‌بندی‌های چشم‌نواز فیلم به‌ویژه در نماهای داخلی خانه امیرعلی و مرجان و انتخاب درست دمای رنگ به‌عنوان یکی از عوامل مهم فضاسازی در اثر متناسب با اوضاع حسی و عاطفی شخصیت‌ها،

محصول تلاش مسعود سلانی، فیلمبردار باتجربه فیلم‌برتری محسوس فیلم در عرصه کارگردانی است. فیلمساز در سکانس‌هایی سعی می‌کند با انتخاب قاب‌ها و میزآنسن‌های کارکرشده، بخشی از ضعف‌های فیلمنامه را بپوشاند. در سکانس قهر مهرور و پیاده‌شدنش در بزرگراه، حرکت مهرور پس از جادری که دستخوش وزش باد است، روی پل عابر پیاده و باگشت او و بعد‌ها نمای دروشن مهرور از دوربین در نمای پایانی فیلم و میزآنسن‌ها به‌ویژه در خانه مرجان، نشان از حضور کارگردانی می‌دهد که تصویر در سینما را می‌شناسد و فقط باید با وسواس بیشتر در نوشتن یا انتخاب فیلمنامه، جایگاه خود را در سینمای ایران تثبیت کند.



نگاه تفاهم‌نامه سینمایی بین ایران و ازبکستان

یادداشت تفاهم همکاری مابین سازمان امور سینمایی و سمعی و بصری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی محمد خزاعی و سازمان سینمایی وابسته به وزارت فرهنگ جمهوری ازبکستان به نمایندگی فردوس عبدالخالق اف در زمینه مبادلات و همکاری‌های سینمایی امضا شد. بر این اساس، تبادل، نمایش و عرضه تجاری آثار سینمایی یکدیگر، با توجه به ظرفیت‌های موجود و قوانین و مقررات کشورهای متبوع؛ دعوت متقابل به رویداد‌های سینمایی (جشنواره‌ها و ...) در هر دو کشور و فراهم آوردن امکانات لازم جهت تسهیل شرکت و حضور فیلمسازان و سینماگران؛ تسهیل ارتباط، تبادل و مشارکت نیروهای تخصصی دو کشور در پروژه‌های سینمایی، تبادل دانش فنی و تخصصی و تبادل استاد و دانشجو در حوزه سینما، تولید فیلم‌های مشترک از جمله بلند، مستند، کوتاه و انیمیشن در زمینه‌های تاریخ مشترک، فرهنگ و آداب و رسوم دو کشور و تشویق از این کار، برگزاری هفته‌های فیلم مشترک و تامین رعایت کیی‌رایت برای آثار سینمایی مهم‌ترین محورهای حوزه همکاری در این تفاهم‌نامه است. / تسنیم

رویداد

«زاج» در جشنواره کانبرای استرالیا

فیلم کوتاه «زاج» به نویسندگی و کارگردانی جوادگنجی و تهیه‌کنندگی بهنام آذربور و جواد گنجی به بیست و هشتمین دوره جشنواره فیلم کوتاه کانبرای استرالیا راه پیدا کرد.

بیست و هشتمین دوره جشنواره فیلم کوتاه کانبرای استرالیا ۱۹ آبان تا ۵ آذر در شهر کانبرا، پایتخت استرالیا برگزار می‌شود و برندگان خود را معرفی خواهد کرد. در خلاصه داستان فیلم کوتاه زاج آمده است: در هیاهوی وارونگی انسانیت، در پیچ و تاب بی‌اعتمادی شگ‌ده ایم. در این فیلم سازینا ترقی، محمدمسعود گنجی، کیوان علی‌محمدی، حامد خاکسار، نگار فرزند و بهار بهمن‌پور ایفای نقش کرده‌اند. بخشی از عوامل این فیلم کوتاه عبارتند از: تدوین: عماد خدابخش، صداگذار: بهمن اردلان، طراح گریم: محسن دارسنج، مدیر تولید: امیر اسکندری، فیلمبردار: وحید ملک‌محمدی، طراح صحنه و لباس: زهرا صمدی، صداپردار: حسن کرامتی، برنامه‌ریز و دستیار اول کارگردان: افشین علیزاده، منشی صحنه: آیتا فیروزیخت، دستیار کارگردان: نگنس احمدی، گروه تدارکات: سیدمجید حسینی، سعید زحمتکش، روح، ... غفارزاده و رضا رخ و عکاس: سمیه جعفری، / ایلنا

